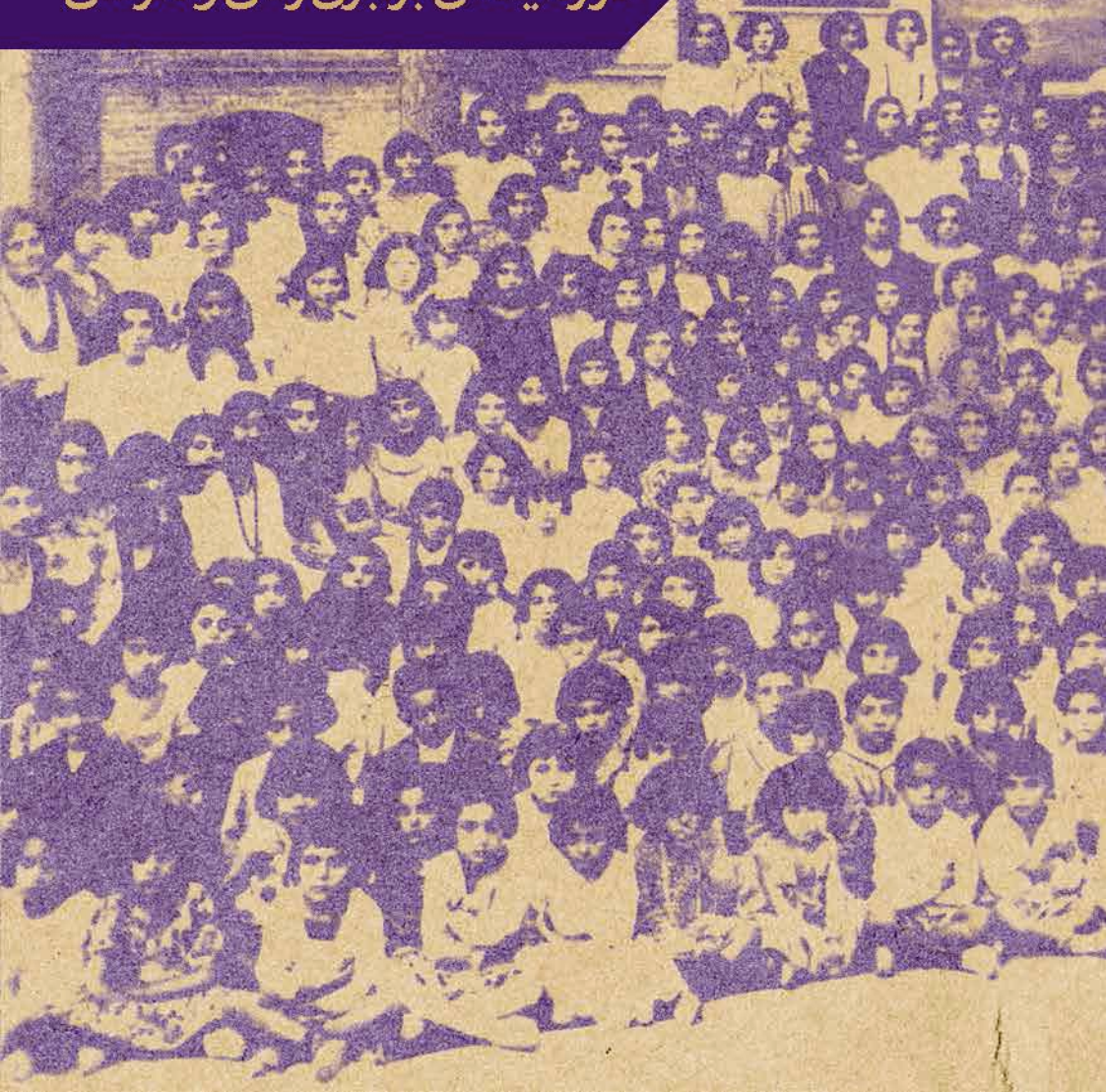


تلاش‌های بهائیان ایران در زمینه‌ی برابری زنان و مردان



تلاش‌های بهائیان ایران
در زمینه‌ی برابری زنان و مردان

www.bahaisofiran.org



گروهی از معلمان زن بهائی مدرسه‌ی تربیت

ویرایش اول: شهریور ۱۴۰۲

۴ مقدمه

۷ بخش اول
مفهوم برابری زنان و مردان در دیدگاه بهائی

۱۳ بخش دوم
سازوکاری برای به عمل در آوردن اصل برابری زنان و مردان

۲۱ بخش سوم
سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان برای پیاده‌سازی اصل برابری زنان و مردان در ایران

۴۷ تصاویر و توضیحات



مقدمه

بهائیان، آثار حضرت بهاء الله و تعالیم دیانت بهائی را برای زندگی در دنیای امروز مفید و راه‌گشا یافته‌اند و معتقدند که به کار بستن این تعالیم و اصول، عاملی مؤثر در به دست آوردن یک زندگی هدفمند آمیخته با سرور، رضایت درونی و معنویت است. بهائیان، همچنین تعالیم دیانت بهائی را راهنمای ساختن دنیایی بدون خشونت، ظلم و تبعیض و جهانی سرشار از صلح، امنیت، رفاه و سرور می‌دانند.

حضرت بهاء الله در یکی از بیانات خود، همگان را تشویق می‌کنند که به موضوعات مهم و ضروری اجتماعی بپردازند. ایشان بیان می‌کنند: «امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید.» از این رو سبیم شدن در فرایند پیشرفت و تغییر اجتماعی، بخشی جدایی ناپذیر از باور دینی و اعتقادی بهائیان است. به باور آن‌ها خدمت به هموعان و تلاش برای دستیابی به خیر عمومی و پرداختن به رشد فکری و معنوی فردی، جنبه‌های تفکیک ناپذیر یک فرایند واحد هستند.

بهائیان ایران مانند بهائیان سراسر جهان از همان نخستین سال‌های آشنایی با آموزه‌های حضرت بهاء الله نسبت به بینش ایشان در مورد دستیابی بشر به تمدنی جهانی عشق و تعهد

عمیق دارند و همواره می‌کوشند درک روبه‌رشد خود را از این آموزه‌ها در عمل به کارگیرند و قدم به قدم زمینه‌ها و بسترهای مورد نیاز تحقق این اصول را در زندگی شخصی و خانوادگی خود و محیط اطرافشان فراهم کنند.

بهائیان تلاش‌هایشان برای بهبود اجتماع را یک فرایند یادگیری می‌دانند و می‌کوشند به شکلی سیستماتیک، چگونگی به عمل درآوردن آموزه‌های حضرت بهاء‌الله مانند یگانگی نوع انسان، برابری جنسیتی و صلح عمومی را در زندگی فردی و جمعی خود بیاموزند. در این مسیر، جامعه‌ی بهائی بدون ادعای برتری و کمال و در نهایت فروتنی، بینش‌هایی که کسب کرده، تجربیات و یادگیری‌هایش را در همکاری با دیگران به اشتراک می‌گذارد.

متنی که در ادامه آمده است تلاش دارد درک رو به رشد و اقدامات جامعه‌ی بهائیان ایران را از زمان شکل‌گیری این آیین برای دستیابی به برابری زنان و مردان - یکی از آموزه‌های اصلی حضرت بهاء‌الله - در یک سیر تاریخی، بازتاب دهد.

این متن در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول دیدگاه و بینش دیانت بهائی درباره‌ی برابری زنان و مردان و اهمیت و لزوم آن را شرح می‌دهد. این بینش مبنای اقدامات بهائیان ایران در زمینه‌ی دستیابی به برابری زن و مرد بوده است. بخش دوم به سازوکاری که جامعه‌ی بهائی برای به عمل درآوردن درک رو به رشدش از این اصل در پیش گرفته است اشاره می‌کند. بخش سوم نگاهی مختصر به سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان از دوران حضرت باب تا دوران معاصر دارد.

بخش اول:
مفهوم برابری زنان و مردان
در دیدگاه بهائی





سیزدهمین کانونشن بین‌المللی جامعه‌ی بهائی، حیفا، آوریل ۲۰۲۳

ساخت این تمدن است. از دیدگاه آیین بهائی، برای فراهم آمدن رشد و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و برقراری صلح که لازمه و سنگ بنای یک جامعه‌ی متحد جهانی است، ضروری است که زنان بتوانند با اصل برابری، در همه‌ی جنبه‌های زندگی، حاضر شوند. حضرت بهاءالله برابری حقوق زن و مرد را شرط به وجود آمدن وحدتی وسیع‌تر میان همه‌ی انسان‌ها می‌دانند، وحدتی که سعادت و امنیت تمام نوع بشر را تامین می‌نماید. بیت العدل اعظم^۱ تاکید می‌کنند که «رفع موانع ترقی اجتماعی زنان شرطی اساسی

بهائیان معتقدند نوع انسان، پس از عبور از دوران کودکی، اکنون در آستانه‌ی بلوغ جمعی خود قرار دارد و برای حرکت به سوی یک تمدن جهانی متحد و هماهنگ توانمندی بالقوه دارد؛ تمدنی که به تمامی نوع انسان از هر نژاد، قوم، دین و جنسیت تعلق دارد، به عدالت، بهروزی و رفاه مادی و معنوی برای همگان آراسته است و اصل یگانگی نوع انسان به عنوان حقیقتی معنوی در آن جلوه‌گر خواهد شد. بر اساس آثار بهائی، برابری زنان و مردان، از اعتقادات زیربنایی اصل یگانگی نوع انسان و یکی از مهم‌ترین اصول مورد نیاز برای



و ذکور عندالله واحد بوده». آثار بهائی بیان می‌کنند که حقیقت وجود انسان، روح اوست که عاری از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه است. طبیعی است که تفاوت‌های جسمی و ظاهری که بین زن و مرد وجود دارد، بر چگونگی کسب تجربه‌ی آن‌ها از جهان اثر می‌گذارد، اما کرامت و شرافت ذاتی انسانی و آنچه نوع انسان را انسان کرده است، در زن و مرد یکسان است. همه‌ی انسان‌ها چه زن و چه مرد، از توان‌مندی‌های بالقوه‌ی مشترکی برخوردارند مانند: توانایی عشق ورزیدن، خلق کردن، استقامت کردن و در

برای احیا و اعتلای هر ملت و رکنی از ارکان صلح عمومی و عاملی بنیادی برای پیشرفت تمدن بشری است.^۲ با این وجود، برای بهائیان اصل برابری زنان و مردان صرفاً یک آرمان و ایده‌آل اجتماعی و یا وضعیتی که برای خیر عمومی باید به آن دست یافت نیست، بلکه حقیقتی معنوی و جهان‌شمول در ذات خلقت و جنبه‌ای از ماهیت نوع انسان است. در این زمان که نوع بشر در آستانه‌ی دوران بلوغ جمعی خود قرار دارد، حقیقت برابری در پرتو ظهور حضرت بهاءالله آشکارتر شده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «اناث



سمیناری درباره‌ی برابری زنان و مردان، برگزارشده توسط دفتر روابط عمومی بهائیان هندوستان، سال ۲۰۱۹

ایفای نقش به حق زنان در نظم اجتماعی فعلی دارد. هدف غایی آن خلق نظم اجتماعی مبتنی بر عدل و انصاف است، ساختاری که به همگان اجازه‌ی رشد و شکوفایی دهد. برای رسیدن به این هدف، باید زنان و مردان بتوانند تمام استعداد و توانمندی ذاتی خود را در عرصه‌های مختلف زندگی به کار گیرند، دوشادوش یکدیگر و با کمک هم در بستر خانواده، کار، جامعه و امور بین‌الملل تلاش کنند تا یک نظم اجتماعی جدید و عادلانه بسازند، بدون آن که محدودیت و نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد. بنابراین تغییر و تحول همه‌جانبه هم در ذهن و هم در قلب همگان، چه زن و چه مرد لازم است.

جستجوی معنا و هدفی برای زندگی و اجتماع بشری بودن. بنابراین هیچ یک نمی‌تواند ادعای برتری بر دیگری داشته باشد. انکار برابری جنسیتی، در حقیقت بی‌عدالتی نسبت به نیمی از جمعیت جهان است که موجب می‌شود زنان از پرورش استعدادهای ذاتی خود و فعالیت پایه‌ای مردان در زمینه‌های گوناگون باز بمانند و البته هیچ دلیل موجه اخلاقی یا بیولوژیکی برای این نابرابری وجود ندارد.

چنین تأکیدی دلالت‌های ضمنی عمیقی برای سازمان‌دهی هر جنبه از اجتماع انسانی دارد. بنابراین برابری و هدف از آن فراتر از دستیابی به مطالبات و حقوق برابر است و هدفی والاتر از ایجاد فضایی برای



نشست‌های مختلفی به میزبانی جوامع بهائی در سراسر جهان با موضوع اصول مشورت و برابری جنسیتی

همچنین لازم است مفاهیم و پیش-فرض‌هایی همچون هویت و قدرت بازتعریف شوند و تغییرات بنیادین در تار و پود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و حکمروایی از سطوح محلی تا بین‌المللی شکل گیرد. در پرتوی چنین درکی از مفهوم برابری، مشخص است که تأثیرات و نتایج اصل برابری زنان و مردان فقط محدود به زنان نیست بلکه مردان، نهاد خانواده و در حقیقت کل جامعه نیز از اثرات این برابری بهره‌برده و همه‌ی جوانب زندگی فردی و جمعی انسان به شکلی مثبت متحول می‌شوند.

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «عالم انسانی را دو بال است. یک بال رجال یک بال نساء. تا دو بال متساوی نگردد، مرغ پرواز ننماید. اگر یک بال ضعیف باشد، پرواز ممکن نیست. تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود، فلاح و نجات چنان‌که باید و شاید ممتنع و محال».^۳

بخش دوم:
ساز و کاری برای به عمل در آوردن
اصل برابری زنان و مردان







گروهی از زنان و دختران بهائی، سیسان، ۱۳۵۹ ه.ش

بہتر اصول و آموزہ‌های بہائی از جملہ برابری زنان و مردان و نحوہی بہ عمل درآوردن آنها، موضوعی است کہ بہائیان چہ فردی و چہ جمعی بہ طور مستمر در فعالیت‌ها و مشورت‌هایشان آن را بررسی می‌کنند. آثار و آموزہ‌های حضرت باب و حضرت بہاء اللہ و شرح، توضیح و ہدایت‌های جانشینان ایشان، حضرت عبدالبہاء، شوقی افندی و بیت العدل اعظم در دوران مختلف بہ بہائیان سراسر جہان کمک کردہ است تا بہ مرور درک خود را از این اصل بنیادین و دلالت‌های آن در زندگی فردی و جمعی خود و نیز در ساختارهای اجتماع، توسعہ دهند.

تبدیل آرمان برابری زنان و مردان بہ واقعیت نیازمند تغییرات زیربنایی فکری و فرہنگی است. این تغییرات باید ہم در سطح فردی صورت پذیرد و ہم در ساختارهای گوناگون اجتماعی و البتہ این تغییرات بہ ہیچ وجہ کار آسانی نیست. در جامعہی بہائی دستیابی بہ این هدف و تحقق اصل برابری زنان و مردان بہ تدریج و در نسل‌های متمادی پی‌گیری می‌شود. در آیین بہائی طبقہی پیشوایان دینی و روحانیون وجود ندارد و متون مذہبی توسط طبقہ‌ای خاص تفسیر نمی‌شود و طبقہ‌ای خاص وظیفہ‌ی ہدایت فکر و عمل جامعہ را بہ عہدہ ندارد. بر این اساس تلاش برای درک



از این نوع روابط زندگی بخش را در بدن انسان می‌توان دید که در آن سلول‌ها و اندام‌های مختلف با شکل‌ها و عملکردهای متنوع در هماهنگی با هم، هر یک نقش خود را در حفظ سلامت و رشد بدن ایفا می‌کنند.

بهائیان ایران مانند بهائیان نقاط دیگر جهان، بر اساس چنین فهم روبه‌رشدی از نقش و عملکرد هر یک از این سه شرکت - کننده‌ی فعال، از همان نخستین سال‌های آشنایی با آموزه‌های حضرت بهاء‌الله با عشق و تعهد عمیق نسبت به بینش ایشان در مورد مسیری که بشر برای دستیابی به تمدنی جهانی و پیشرفت

این درک رو به افزایش به مرور در یک فرایند یادگیری از طریق تلاش‌های افراد، جوامع و موسسات بهائی در سراسر جهان به اجرا درآمده است. در دیدگاه بهائی، افراد، جوامع و موسسات، سه شرکت‌کننده‌ی فعال در پیشبرد تحولات اجتماعی هستند. هر یک از آن‌ها ظرفیت، مسئولیت و نقش خاص خود را دارند. لازم است روابط سازنده، حمایت‌گر و هماهنگ در میان این سه شرکت‌کننده جایگزین الگوهای قدیمی تضاد، رقابت و سلطه شود تا این روابط بتوانند به شکل‌گیری اجتماعی پویا و متحد کمک کنند و پیشرفت تمدن را امکان‌پذیر سازند. مثالی



گروهی از بهائیان، بابل

کرده بود، کنار بگذارند و برای هرچه بهتر فهمیدن و به عمل درآوردن اصل برابری و سایر آموزه‌های حضرت بهاء‌الله، برای بهبود شرایط اطرافشان پیوسته در تلاش و تکاپو باشند. اقداماتی که برای افزایش توانمندی‌های زنان و آماده‌سازی زمینه‌ی مشارکت بیشتر آن‌ها در فرایندهای جامعه انجام می‌شد، مورد تشویق و حمایت جامعه‌ی بهائی بود و به تدریج قوت می‌گرفت. زمانی که هدف یک جامعه، تلاش برای بهبود شرایط اجتماعی و حصول خیر عمومی است، آن جامعه تبدیل به محیطی می‌شود که قدرت اعضایش به واسطه‌ی اقدامات هماهنگ،

مادی و معنوی در پیش دارد، در هر زمان تلاش کرده‌اند درک خود از برابری زنان و مردان را به عمل در بیاورند و قدم به قدم زمینه‌ها و بسترهای مورد نیاز آن را در زندگی شخصی یا خانوادگی خود و محیط اطرافشان فراهم کنند.

این تلاش‌ها در سال‌های نخست به صورت فردی و پراکنده صورت می‌گرفت. اما در اواخر قرن نوزدهم با شکل‌گیری تدریجی جامعه‌ی بهائی در ایران، اراده و عزمی همگانی، بهائیان را بر آن داشت که تعصبات و آداب و رسوم تبعیض‌آمیز گذشته را که در تار و پود ساختارهای فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور رسوخ



مشارکت آنان در فرایندهای اجتماعی به مرور ساختار یافتند و به شکلی منظم و هماهنگ در سراسر ایران به اجرا درآمدند. بر اثر تلاش‌ها و مشارکت افراد، جامعه و موسسات بهائی، وضعیت زنان بهائی که در زمان شکل‌گیری این آئین تفاوت اندکی با سایر زنان ایرانی داشت با گذشت چند دهه، پیشرفت چشمگیری حاصل کرد. نقطه‌ای تمرکز جامعه‌ی بهائی در مسیر دستیابی به برابری، بیشتر بر توانمند شدن زنان از طریق فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی، متمرکز بود، اما ارتقای جایگاه زنان و رسیدن به حقوق برابر در خانواده و ازدواج، مشارکت زنان در ساختارهای اداری

چندین برابر می‌شود؛ اختیار فرد و اراده‌ی جمعی در هم می‌آمیزد و روحیه‌ی عمل و نوآوری در میان اعضا تقویت می‌شود. در این میان موسسات وظیفه دارند به تلاش‌های جمعی ساختار دهند، وحدت بینش و عمل را میان اعضا ترویج کنند، منابع را منصفانه اختصاص دهند و به طور کلی امور را اداره نمایند. در اوایل قرن بیستم زمانی که ساختارهای اداری و موسسات بهائی برای اداره‌ی امور جوامع بهائی در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی در سراسر جهان به تدریج شکل می‌گرفتند و تثبیت می‌شدند، تلاش‌های جمعی برای رفع موانع ترقی زنان و



سنتی خود تلقی می‌کردند، کم کرد. از سوی دیگر این تلاش مداوم به تدریج به پرورش قابلیت و بالا بردن سطح توانمندی و آگاهی افراد، جامعه و موسسات بهائی در ایران و سایر نقاط جهان کمک کرده است. حضرت عبدالهاء، حضرت شوقی افندی و بیت العدل اعظم، در این مسیر، متناسب با شرایط خاص هر دوره، بر اساس تلاش‌های انجام شده و توان‌مندی‌های کسب شده، این سه شرکت‌کننده‌ی فعال را همراهی کرده‌اند و به پرورش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آنان پرداخته‌اند تا هرچه بیشتر و موثرتر بتوانند نقش منحصر به فردشان را بر عهده بگیرند. به این ترتیب هر یادگیری و

بهائی و در فعالیت‌های اجتماعی در صحنه‌ی شهر و کشور، رفع محدودیت و ممنوعیت‌ها در مورد حضور زنان در اجتماع و معاشرت با مردان و حق انتخاب نوع پوشش و ... از دیگر زمینه‌هایی بود که بهائیان در آن‌ها به پیشرفت‌هایی دست یافتند. تدریجی بودن تلاش‌ها برای پیاده‌سازی اصل برابری در طی چندین دهه، به جامعه‌ی بهائی زمان کافی داد تا به تدریج، عرف و ارزش‌های جامعه و افراد بهائی در مورد برابری تغییر کند. این رویکرد همچنین احتمال واکنش منفی از طرف متعصبین مذهبی که آموزه‌های بهائی و تلاش‌های بهائیان را خطری برای ارزش‌های



تلاش کنند؛ برای درک عمیق‌تر و بیشتر اصل برابری زنان و مردان بکوشند و سعی نمایند این اصل را بیش از پیش در زندگی خانوادگی و حیات جمعی خود منعکس سازند.

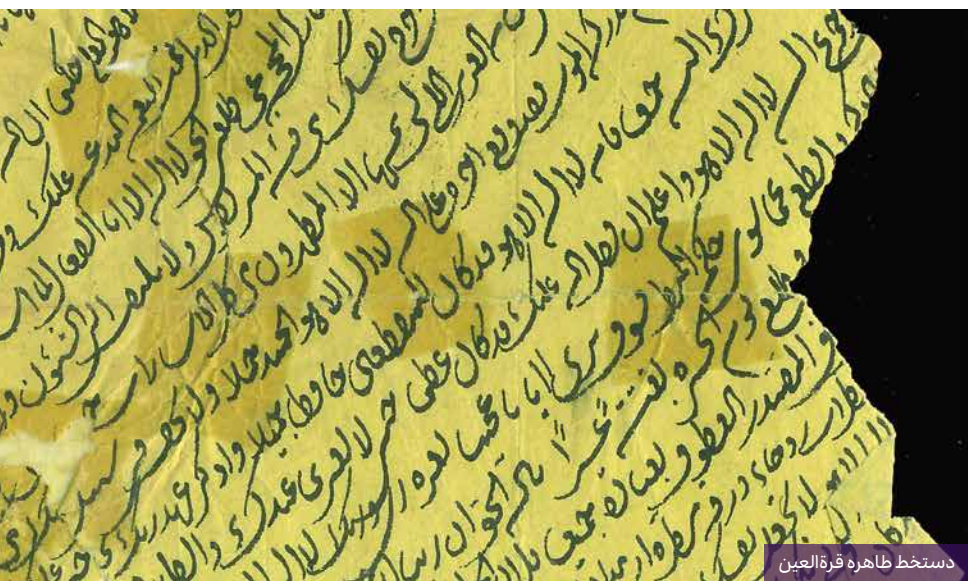
در بخش سوم این متن، نحوه‌ی حرکت جامعه‌ی بهائی ایران در این مسیر شرح داده می‌شود و نمونه‌هایی از هدایت‌ها، تلاش‌ها و اقدامات انجام شده و دستاوردها از آغاز تاریخ دیانت بهائی تا زمان حال ارائه می‌شود.

دستاوردی در هر مقطع زمانی علاوه بر آنکه خود ارزشمند شمرده شده، زمینه را برای گام‌ها و موفقیت‌های بعدی نیز فراهم کرده است. این تجربیات و یادگیری‌های به دست آمده از طریق موسسات بهائی، میان بهائیان ساکن در شهرها و روستاهای مختلف ایران و حتی جوامع بهائی مختلف در سراسر جهان مبادله شده است.

بهائیان ایران بر این نکته آگاهند که دستیابی به برابری، محدود به این کوشش‌ها نیست و همچنان باید برای تغییر افکار، نگرش‌ها، سنت‌ها و عادت‌های رفتاری که مانع پیشرفت زنان می‌شود

بخش سوم:
سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان
برای پیاده‌سازی اصل
برابری زنان و مردان در ایران





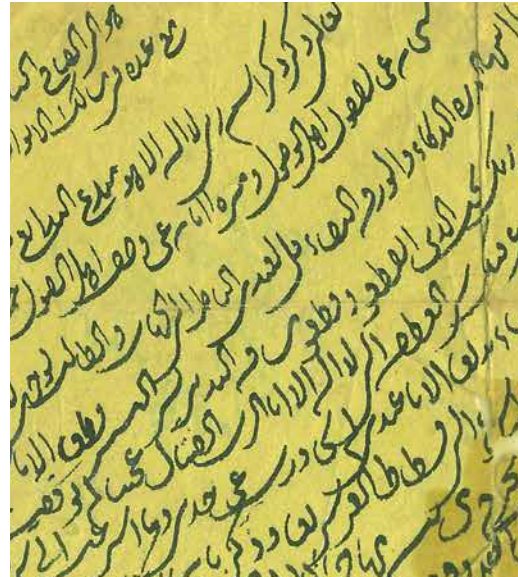
دستخط ظاهره قره العین

چنین بستر و پیش‌زمینه‌ی فرهنگی بود که حضرت باب و حضرت بهاء‌الله، در آثارشان چارچوبی کلی برای تحول ارزش‌های بشریت و نوع نگاه به زنان مطابق با اصل برابری انسان‌ها ایجاد کردند و قوانین و احکامی در تناسب با این اصل ارائه دادند.

حضرت باب (۱۱۹۸-۱۲۲۹ ه.ش / ۱۸۱۹-۱۸۵۰ میلادی) در آثار خود اعلام کردند که خداوند تفاوتی میان زنان و مردان قرار نداده. ایشان در اثر برجسته‌ی خود، «کتاب بیان» در چند مورد تغییرات اساسی در احکام اجتماعی مربوط به زنان ایجاد کردند از جمله ممنوعیت ازدواج موقت و مجاز دانستن معاشرت و گفتگوی زنان و مردان بابتی با یکدیگر.

یکی از جلوه‌های نگاه برابر به زنان در این

در آغاز تاریخ بهائی و دوران رسالت حضرت باب و حضرت بهاء‌الله (سال‌های ۱۲۲۳-۱۲۷۱ ه.ش / ۱۸۴۴-۱۸۹۲ میلادی) هنوز نشانه‌هایی از جنبش آزادی‌خواهی زنان در ایران و بسیاری از نقاط دیگر جهان وجود نداشت. در ایران و جامعه‌ی سنتی دوران قاجار، زنان از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جایگاهی نداشتند و دارایی مردان به حساب می‌آمدند. امکان سوادآموزی و کسب علم برای آنان بسیار محدود و حوزه‌ی فعالیت‌هایشان به خانه‌داری و بچه‌داری محدود می‌شد. در اسناد تاریخی دوران قاجار مثال‌های فراوانی از وضعیت تحقیرآمیز زنان در رابطه با ازدواج و حقوق اجتماعی‌شان و نحوه‌ی فاجعه‌بار رفتار با آن‌ها یافت می‌شود. در



نشان از تغییر در نقش اجتماعی زنان در ایران داشت. بسیاری حضور طاهره در گردهمایی بدشت را در سال ۱۲۲۷ ه.ش (۱۸۴۸ میلادی) نقطه‌ی آغاز جریان آزادی-خواهی زنان ایرانی می‌دانند. در دوران رسالت حضرت باب البته زنان ایرانی دیگری نیز بودند که از آموزه‌های جدید الهام گرفته و از قید و بند سنت‌هایی که مانع ایفای نقش اجتماعی آن‌ها می‌شد، رهیدند. حضرت بهاءالله (۱۱۹۶-۱۲۷۱ ه.ش / ۱۸۱۷-۱۸۹۱ میلادی) برابری همه‌ی انسان‌ها را در آثار خود اعلام کردند و به طور خاص در مورد برابری زنان و مردان اشاره کردند که

دوران، حضور یک زن- طاهره قرة العین- در زمهری ۱۸ پیرو اولیه‌ی حضرت باب و حمایت ایشان از طاهره در مقابل اتهامات و اعتراضات بی‌پایه و اساسی بود که به علت فراتر رفتن او از هنجارها و نقش‌های سنتی معمول برای زنان در آن زمان علیه او مطرح می‌شد. طاهره در زمانی که فعالیت‌های مربوط به بهبود اوضاع اجتماعی زنان در برخی از نقاط جهان، تازه در حال شکل گرفتن بود، شجاعانه برای آزادی زنان قیام کرد. او نمادی بود از توانایی، استقلال و رهبری زنان و فعالیت‌هایش برای نخستین بار

۴- از جمله‌ی این زنان می‌توان به زینب، ملقب به "ستمعلی" اشاره کرد. این زن به دفاع از بایانی برخاست که به دلیل سرکوب‌های دولتی در قلعه‌ی علیمیراد خان، محاصره شده بودند. با سایر زنان بایی زنجان که همگام با همسرانشان از آیین جدید دفاع می‌کردند مانند عنبر خانم ملقب به ام اشرف، همچنین گروه دیگری از زنان برجسته‌ی ایرانی از طریق طاهره به حضرت باب ایمان آوردند و با شجاعت و تسلط بر امور دینی، آشکارا به نشر آیین بایی پرداختند از جمله‌ی این زنان می‌توان به بی‌بی کوچک ملقب به ورقه‌الفرדوس (خواهر ملاحسین بشروی، نخستین مومن به حضرت باب) و خورشید بیگم ملقب به شمس الضحی اشاره کرد.

نزد خداوند میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و این دو مقامی یکسان دارند. بازتاب این برابری را در احکام دیانت بهائی می‌توان دید. این احکام هم در زندگی شخصی و خانوادگی و هم در نقش‌های اجتماعی، موقعیت‌های برابر برای زنان و مردان فراهم می‌کنند. برای مثال در دیانت بهائی ازدواج رابطه‌ای برابر دیده می‌شود، احکامی همچون منع ازدواج موقت، آزادی انتخاب همسر، تعیین حداقل سن یکسان برای ازدواج دختران و پسران، تفویض حق طلاق به زنان، علاوه بر مردان و محدود کردن حق بلا شرط مردان در طلاق دادن همسرشان از نمونه‌های دیگر این احکام هستند. حضرت بهاءالله حکم ناپاک بودن زنان در دوران عادت ماهیانه از نظر شرع را که در ادیان قبل رایج بود برداشتند و همچنین نحوه‌ی پوشش را، هم برای زن و هم برای مرد به اختیار افراد وا گذاشتند. حضرت بهاءالله همچنین در کتاب احکام خود «کتاب اقدس»، آموزش دختران و پسران را از وظایف اجباری والدین ذکر کردند. این آموزه، شالوده‌ای برای توان افزایش و پرورش استعدادها و توانمندی‌های زنان برای حضور و نقش‌آفرینی در اجتماع، فراهم ساخت و در دهه‌های بعد، اساس اقدامات بهائیان در زمینه‌ی تأسیس مدارس دخترانه در ایران قرار گرفت. حضرت بهاءالله همچنین در نوشته‌ها و نامه‌هایشان خطاب به زنان و

دختران بهائی توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه‌ی آن‌ها را ستوده و آن‌ها را به داشتن نقشی فعال در انتشار پیامشان در جامعه و کسب علم و دانش تشویق می‌نمودند. اسنادی که از مورخان و مستشرقان اروپایی از اواخر قرن نوزدهم در دست است، نشان می‌دهد که بهائیان از همان سال‌های اولیه در تلاش بودند تا درک خود از اصل برابری زنان و مردان را تا جایی که شرایط محیط و امکاناتشان اجازه می‌داد در عمل پیاده نمایند. برای نمونه، بهائیان در پاسخ به حکم «کتاب اقدس» در زمینه‌ی آموزش دختران، در روستاها و شهرهای مختلف، متناسب با امکاناتشان، مکتب‌خانه‌هایی برای آموزش دختران و پسران ایجاد کرده بودند از جمله مکتب‌خانه‌هایی که حدود سال ۱۲۵۰ ه.ش (۱۸۷۰ میلادی) و حتی قبل از آن برای دختران در قزوین و مازندران توسط بهائیان این مناطق تأسیس شد. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و دو دهه‌ی اول قرن بیستم (از سال ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۰ ه.ش)، در سراسر جهان، زنان هنوز در همه‌ی عرصه‌های فردی و اجتماعی، جایگاهی بسیار فرودست و نابرابر با مردان داشتند. در بیشتر جوامع خاورمیانه، تعداد کمی از زنان سواد داشتند و بیشتر اوقاتشان در خانه می‌گذشت. ازدواج اجباری و زود هنگام دختران رایج بود. زنان حق رأی نداشتند و نمی‌توانستند در

فرآیندهای مختلف اجتماع، مشارکت کنند و با وجود بعضی فعالیت‌های حق‌طلبانه، عموم زنان پذیرای این تسلیم و نابرابری بودند. در ایران، در اوایل قرن بیستم همزمان با جنبش مشروطه، گروه‌های کوچکی از زنان برای اولین بار از خانه‌ها بیرون آمدند و در اعتراض‌های ملی و سیاسی مشارکت کردند. این اعتراض‌ها کم‌کم به اعتراض، علیه نابرابری تبدیل شد. اما حرکت‌های زنان به رغم اهمیت آن، نحیف و کم‌اثر بودند و چندین دهه طول کشید تا زنان ایران بتوانند اولین امتیازات حقوقی و اجتماعی را به دست آورند. زمانی که حضرت عبدالبهاء (۱۲۲۳-۱۳۰۰)

ه.ش / ۱۸۴۴-۱۹۲۱ میلادی) هدایت جامعه‌ی بهائی را بر عهده داشتند، جامعه‌ی بهائی ایران با جدیت و تمرکز بیشتری توانست در مسیر کسب توانمندی‌های لازم برای پیشرفت به سوی برابری قدم بردارد. حضرت عبدالبهاء در توضیح اصل برابری در آثار بهائی بیان کردند که زنان باید در تمامی عرصه‌های اجتماع فعال شوند. ایشان، نابرابری زنان و مردان در طول تاریخ را به دلیل فرودستی ذاتی زنان نمی‌دانستند بلکه یکی از دلایل اصلی آن را نبود فرصت و کاستی در آموزش زنان، بیان می‌کردند. حضرت عبدالبهاء همواره اصل حفظ وحدت و حرکت تدریجی به سوی تغییرات را مد نظر داشتند و بیان



حضرت عبدالبهاء و گروهی از بهائیان، شیکاگو ۱۹۱۲



گروهی از شاگردان پیش دبستانی مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت، سال ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۹.

بپردازند، از نظر اخلاقی الگوی دیگران باشند، از خود حکمت و معرفت نشان دهند و در خدمت به ایران بکوشند. این مکاتبات در سطح وسیع و با زنان و مردان بهائی در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ در نقاط مختلف ایران صورت می‌گرفت و نقشی اساسی در افزایش آگاهی و توجه به اهمیت موضوع برابری و لزوم تلاش برای دستیابی به آن داشت. علاوه بر این مکاتبات، زمانی که حضرت عبداله‌اء در تبعید^۵ بودند، بهائیان که به ملاقات ایشان

می‌کردند که پیشرفت زنان و فعالیت‌های آنان نباید منجر به بروز اختلاف با مردان شود زیرا جامعه برای حرکت به سوی برابری، نیازمند وحدت و تلاش همزمان زنان و مردان است. افزون بر این، ایشان در مکاتبات گسترده‌ای که با بهائیان ایران داشتند، دلالت‌های مختلف اصل برابری زنان و مردان را شرح می‌دادند، به افکار جهت جدیدی می‌بخشیدند و زنان را تشویق می‌کردند تا نقشی فعال‌تر در جامعه داشته باشند، به کسب علم

۵ - حضرت عبداله‌اء از سال ۱۸۵۲ میلادی زمانی که کودکی ۹ ساله بودند به همراه حضرت بهاء‌الله و سایر اعضای خانواده از ایران به بغداد، استانبول، آدرنه و عکا تبعید شدند. این تبعید هرگز بازگشتی در پی نداشت و ایشان اکثر سال‌های عمر خود را در زندان و تبعید گذراندند.



گروهی از دانش آموزان یک مدرسه‌ی روستایی در اصفهان، حدود سال ۱۳۱۰ ه.ش

در این نامه توضیح داده شده بود که بر پدر و مادر واجب است که در زمینه‌ی تربیت پسران و دختران خود بیشترین سعی و تلاش را به کار بندند، علوم و هنرها را به آن‌ها بیاموزند و هیچ تفاوتی میان تربیت دختران و پسران نگذارند. حتی تاکید شده بود که آموزش دختران مهم‌تر از آموزش پسران در نظر گرفته شود، زیرا دختران مادران آینده و نخستین مربیان نسل بعد خواهند بود. این نامه که به توصیه‌ی حضرت عبدالبهاء چاپ و در سراسر کشور در سطح گسترده‌ای در داخل جامعه‌ی بهائی توزیع شده بود،

می‌رفتند با معنا و هدف آموزه‌های حضرت بهاءالله بیش از پیش آشنا می‌شدند و فعالیت‌ها و اقدامات‌شان برای عمل به این آموزه‌ها، از جمله اصل برابری مورد تشویق قرار می‌گرفت و نیز راهنمایی دریافت می‌کردند.

در این برهه مطابق با آثار حضرت بهاءالله و به واسطه‌ی هدایت‌های حضرت عبدالبهاء، نقش آموزش در پیشرفت زنان بیش از پیش مورد توجه جامعه‌ی بهائی قرار گرفت. در سال ۱۹۰۶ میلادی حضرت عبدالبهاء نامه‌ای خطاب به جامعه‌ی بهائی در مورد اهمیت آموزش کودکان نگاشتند.



شاگردان یک مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی به همراه مدیر مدرسه، ساوه، ۱۳۱۴ ه. ش

هنگام حدود ۳۰۰ فارغ‌التحصیل داشتند. البته اهمیت مدارس دخترانه‌ی بهائیان، تنها به دلیل تعداد دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان‌شان نبود. در بسیاری از روستاها یا شهرهای دورافتاده‌ی کشور مدارس بهائیان تنها مدرسه‌های دخترانه‌ی موجود در یک ناحیه بودند و در دیگر موارد تعداد قابل‌توجهی از دانش‌آموزان دختر یک محل را به خود اختصاص می‌دادند. در بسیاری از نقاط، تجربه‌ی مدارس بهائی باعث تأسیس مدارس دولتی شد یا حتی در برخی موارد، مدارس بهائی بعدها تبدیل به مدارس دولتی شدند. از آنجایی که مدارس دخترانه‌ی بهائی در سراسر کشور گسترده بودند نقش مهمی در ارتقای آگاهی در مورد

سرآغازی بر تلاش‌های بهائیان در زمینه‌ی تأسیس مدارس گردید.

بهائیان اولین مدرسه‌ی نوین دخترانه‌ی خود را به نام «تربیت بنات» در قزوین در سال ۱۲۸۸ ه. ش (۱۹۰۹ میلادی) افتتاح کردند در زمانی که هنوز هیچ مدرسه‌ی دولتی دخترانه‌ای در ایران مشغول فعالیت نبود. با گذشت زمان، تعداد این مدارس دخترانه به سرعت افزایش یافت، تا جایی که در سال ۱۳۱۲ ه. ش (۱۹۳۳ میلادی) تعداد مدارس دخترانه‌ی بهائی در سراسر ایران به بیش از ۲۰ مدرسه رسیده بود که در مجموع حدود ۱۵۰۰ دانش‌آموز از دختران بهائی و غیربهائی در آنها مشغول تحصیل بودند و از زمان تأسیس تا آن

۶ - بهائیان ایران از سال ۱۲۶۰ ه. ش (۱۸۸۰ میلادی) مدرسه‌هایی مطابق سبک مکتب‌خانه‌ها که در آن زمان رایج بود تأسیس کرده بودند اما نخستین مدرسه‌ای که بهائیان به شکل مدرسه‌ی مدرن تأسیس کردند در سال ۱۲۷۹ ه. ش (۱۹۰۰ میلادی) بود.



خانواده‌های غیر بهائی ترجیح دهند دخترانشان در این مدرسه‌ها تحصیل کنند.^۷ زنان بهائی، خود در شکل‌گیری و اداره‌ی مدارس نوین نقش مهمی داشتند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مدارس، بعدها به عنوان معلم و مدیر در سایر مدارس شروع به کار نمودند. در دوره‌ای که رایج نبود زن ایرانی هم مادر و هم شاغل باشد، در مدارس دخترانه‌ی بهائیان، مادران ایرانی مشغول به کار بودند. با در نظر گرفتن آزار و اذیت‌ها و بدبینی‌هایی که نسبت به جامعه‌ی بهائی وجود داشت، محدودیت منابع مالی بهائیان و مخالفت سنتی جامعه‌ی ایرانی با آموزش دختران، دستاوردهای بهائیان در

اهمیت آموزش زنان، سوادآموزی و ترویج بهداشت در گوشه و کنار ایران داشتند. برخلاف دیگرمدارس خصوصی، مدرسه‌های دخترانه‌ی بهائی، مختص ثروتمندان نبود و دخترانی از هر طبقه‌ی اجتماعی و هر پیشینه‌ای می‌توانستند در آن‌ها ثبت‌نام کنند. در این مدرسه‌ها آموزش دروس علمی و تربیت اخلاقی در کنار هم صورت می‌گرفت و بر خلاف آنچه آن زمان متداول بود، دختران و پسران، درس‌های یکسانی را می‌گذراندند. همین موضوع باعث شده بود مدارس دخترانه‌ی بهائیان، دروسی متفاوت از سایر مدارس دخترانه داشته باشد. سطح بالای علمی و تربیت اخلاقی این مدارس باعث شده بود که بسیاری از

۷- در میان دانش‌آموختگان این مدارس نام بسیاری از افراد سرشناس ایرانی به چشم می‌خورد از جمله ستاره فرمانروائیان (مادر مددکاری ایران).



دکتر سوزان مودی همراه با تعدادی از زنان بهائی ایرانی، حدود ۱۲۹۰ ه. ش

که در زمینه‌هایی همچون پزشکی، پرستاری و معلمی کار می‌کردند و تلاش‌ها و اقداماتشان مورد تشویق و حمایت حضرت عبدالبهاء بود. مشارکت آنان در فرآیندهای توسعه‌ی کشور در عمل به جامعه‌ی ایرانی نشان داد که زنان در صورت وجود فرصت تحصیل و کار می‌توانند توانایی‌هایی برابر با مردان داشته باشند، همپای آن‌ها در جامعه حضور یابند و به پیشرفت آن کمک کنند و بی‌آنکه معیارهای اخلاقی زیر پا گذاشته شود با مردان در تماس باشند. بدین ترتیب فعالیت‌های اجتماعی این زنان غربی، موانع ذهنی‌ای را که در مورد مشارکت زنان در اجتماع، میان بهائیان وجود داشت

مورد مدارس دخترانه‌ی بهائی بسیار چشمگیر بوده است. این مدارس توانستند با تشویق روشنفکری و فراهم آوردن آموزش و پرورش برای دختران از هر طبقه‌ی اجتماعی، اثری مثبت و ماندگار بر جامعه‌ی ایرانی باقی بگذارند.

با پیشرفت تلاش‌های بهائیان ایران در زمینه‌ی آموزش و طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، گروهی از زنان بهائی غربی به پیشنهاد حضرت عبدالبهاء برای کمک به جامعه‌ی بهائی در تلاش‌هایشان برای توسعه‌ی اجتماعی کشور به ایران مهاجرت کردند. این گروه از زنان که از سال ۱۲۸۸ ه. ش (۱۹۰۹ میلادی) به بعد به ایران نقل مکان کردند، همه زنان مجردی بودند



لوا گتسینگر، از اولین زنان بهائی آمریکاه که به درخواست حضرت عبدالهء برای دادخواهی بهائیان ایران با مظفرالدین شاه قاجار و صدراعظم او در پاریس ملاقات کرد.



بهائیه خانم، خواهر حضرت عبدالهء در دوران سفر سه ساله ای ایشان به مصر، اروپا و آمریکا اداره ای جامعه ای بهائی را بر عهده داشت.

اوایل قرن بیستم، این بود که حضرت عبدالهء در جایگاه رهبری، بر خلاف آنچه آن زمان رواج داشت مسئولیت های مهم و دشوار را به زنان می سپردند و توفیق ها و دستاوردهای آنان را به صورت عمومی مورد تشویق قرار می دادند. برای مثال، در دوره ای سه ساله ای سفرشان به مصر، اروپا و آمریکا (۱۹۱۰ - ۱۹۱۳ میلادی) هدایت و رهبری جامعه ای بهائی را در غیاب خود به خواهرشان، بهائیه خانم سپردند. در طول این مدت، بهائیه خانم به کلیه ای امور بهائیان رسیدگی می کردند. یکی از دیگر نمونه ها ملاقات لوا گتسینگر، از اولین زنان بهائی آمریکا با مظفرالدین شاه قاجار و صدراعظم او، به قصد دادخواهی برای

کم رنگ تر کرد. تلاش های این زنان غربی از جمله خانم ها دکتر سوزان مودی (پزشک زنان و از موسسان مدارس دخترانه ای بهائی)، لیلیان کاپس (مدیر مدرسه ای دخترانه ای تربیت) و دکتر سارا کلاک (پزشک و از معلمان مدرسه ای دخترانه ای تربیت) در طی دهه ها باعث شد هم زنان بهائی ایرانی نسبت به توانایی های خود - در حیطه هایی که قبلا به دلیل سنت های رایج در ایران مردانه تصور می شد - مطمئن تر شوند و هم مردان بهائی متوجه توانایی های زنان و نیاز به تغییر نگاه سنتی خود نسبت به آنها شوند. یکی دیگر از نمونه های عینی تجسم اصل برابری زنان و مردان در جامعه ای بهائی



قدسیه اشرف

تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفته بود) دادند تا او به نمایندگی از زنان ایران در شکل‌گیری این بنای تاریخی سهمی داشته باشد.

هر چند در مورد پیشرفت‌های بهائیان در زمینه‌ی برابری زنان و مردان در دهه‌های اول شکل‌گیری این جامعه، نباید اغراق کرد و نمی‌توان ادعا کرد که بهائیان از اثرات نظام مردسالاری در ایران به طور کامل در امان بودند اما نشانه‌های واضحی وجود دارد که با عملی شدن تدریجی احکام و اصول بهائی، بهائیان از هنجارهای اجتماعی معمول که زنان را در مقامی

بهائیان ایران بود که به درخواست حضرت عبدالبهاء صورت گرفت. نمونه‌ی دیگر، مدیریت ساخت معبد بهائی شیکاگو بود که بزرگ‌ترین پروژه‌ی ساختمانی جامعه‌ی بهائی در دوره‌ی خود به شمار می‌رفت و حضرت عبدالبهاء، مدیریت ساخت آن را به کورین ترو بانوی بهائی آمریکایی سپردند. حضرت عبدالبهاء هنگام نهادن سنگ بنای همین معبد در سال ۱۹۱۲ میلادی (۱۳۹۱ ه.ش)، در حرکتی نمادین و فرهنگ‌ساز، بیله‌چ را به دست زن جوان بهائی ایرانی، قدسیه اشرف (نخستین زن ایرانی که با تشویق و تأیید حضرت عبدالبهاء برای

فرودست قرار می‌داد فاصله گرفتند. زنان بهائی در دوران حضرت بهاء‌الله و عبداله‌اء، دغدغه‌ی انتشار آیین جدید و آشنا ساختن ایرانیان با آموزه‌های بهائی، مسئله‌ی آموزش و ترقی جایگاه زنان هم در داخل جامعه‌ی بهائی و هم در اجتماع ایران را داشتند.^۸ آن‌ها جلسات و گروه‌هایی مخصوص زنان در شهرها و روستاهای مختلف برگزار می‌کردند که در برخی از آن‌ها در مورد اصول و باورهای بهائی و نحوه‌ی معرفی این آیین به سایر ایرانیان صحبت می‌شد و برخی دیگر هدفشان ارتقای مقام زنان یا اقدامات نوع‌دوستانه، همچون کمک به زندانیان یا جیره‌بندی و توزیع غذا در زمان قحطی بود. به علاوه، به علت آزار و اذیت‌هایی که علیه جامعه‌ی بهائی وجود داشت بسیار پیش می‌آمد که مردان بهائی، زندانی یا کشته می‌شدند و زنان، مسئولیت اداره‌ی امور خانواده و حتی در مواردی جامعه‌ی محلی خود را به عهده می‌گرفتند. گاهی نیز در روستاها یا شهرهای کوچک به این دلیل که زنان، تحصیلات بالاتری از سایر مردان آن جامعه داشتند مسئولیت اداره‌ی جامعه به آنان واگذار می‌شد.

برخی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در زمینه‌ی برابری در جامعه‌ی بهائی از دهه‌ی سوم قرن بیستم به بعد با تأسیس موسسات بهائی در ایران از جمله شوراهای اداری محلی و ملی بهائی (محفل‌های محلی و ملی) صورت گرفتند. نظام اداری جامعه‌ی بهائی و موسساتش که اساس آن توسط حضرت بهاء‌الله تعیین شده بود در دوران حضرت شوقی افندی به سرعت در سراسر جهان تکامل یافت. با شکل‌گیری این شوراها در ایران، تلاش‌های جامعه‌ی بهائی برای فهم و به عمل درآوردن اصل برابری زنان و مردان روش‌مندتر و منظم‌تر شد و از فعالیت‌های خودجوش و پراکنده، تبدیل به برنامه‌های یکپارچه و سراسری در میان بهائیان ایران گردید. انتخابات شوراهای بهائی برای نخستین بار در سال ۱۳۰۲ ه. ش (۱۹۲۳ میلادی)، در ایران صورت گرفت. زنان بهائی از همان ابتدای تشکیل موسسات بهائی در ایران، همزمان با مردان حق رای در انتخابات این شوراهای اداری بهائی را داشتند اما عضویت آن‌ها در این شوراها به دلیل موانعی از جمله جو فرهنگی حاکم که حضور زنان و مردان را در کنار هم در فضاهای مشترک برنمی‌تافت،

۸ - از جمله زنان برجسته‌ی این دوره می‌توان به فائزه خانم (فاطمه سلطان بیگم) اشاره کرد، او سبب آشنایی تعداد زیادی از زنان و مردان در کاشان، اصفهان و نجف‌آباد با آیین بهائی شده بود. به علاوه او در تهران به بهائینی که به دلیل اعتقادانشان در زندان بودند کمک می‌کرد، برای آن‌ها لباس و مواد غذایی می‌برد و برای آزادی آن‌ها فعالیت می‌کرد. وی همچنین برای ارتقای جایگاه زنان، بسیار کوشید از جمله در سال ۱۲۹۵ ه. ش (۱۹۱۶ میلادی) بهائیان کاشان را تشویق کرد تا مدرسه‌ای دخترانه تأسیس کنند و خود در آنجا به تدریس مشغول شد یا در ۱۲۹۹ ه. ش (۱۹۲۰ میلادی) وقتی نیروهای بولشویک وارد رشت شدند به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی بهائی آن شهر در مذاکرات پیچیده با رهبر بولشویک‌ها حضور داشت. طاهره خانم (۱۲۴۴- ۱۲۹۰ شمسی) (۱۸۶۵-۱۹۱۱ میلادی) - از دیگر زنان سرشناس بهائی، شاعر و نویسنده و از جمله افرادی بود که برای تغییر شرایط زنان کوشش می‌کرد. او در خانه‌اش مجالس زنانه برای دختران شاه و همسران درباریان برگزار می‌کرد و آن‌ها را در جریان دیدگاه‌های برابری خواهانه در مورد وضعیت زنان قرار می‌داد، برای روزنامه‌ها مقالاتی با موضوع آزادی و ترقی زنان می‌نوشت و در تأسیس مدارس دخترانه و رفع حجاب اجباری برای زنان کوشا بود.



حضرت شوقی افندی (۱۲۷۶-۱۳۳۶ ه. ش)

میسر نبود.^۹

حضرت شوقی افندی از همان ابتدا به بهائیان ایران اطمینان دادند که به زودی شرایط عضویت زنان در این شوراهای اداری فراهم خواهد شد و جامعه را تشویق کردند تا به تجهیز و آماده‌سازی شرایط برای حضور هر چه موثرتر زنان در جامعه بپردازند. ایشان در نامه‌ای که در ۱۳۰۲ ه. ش (۱۹۲۳ میلادی) خطاب به بهائیان ایران نوشتند، ترقی و تشویق زنان برای کسب تحصیلات مادی و معنوی و خدمت به جامعه و همکاری و همقدمی آنان را با مردان برای پیشرفت و گسترش آئین بهائی از «امور اساسی» اعلان کردند و

شوراهای اداری بهائی تازه تأسیس را تشویق کردند تا تدوین برنامه‌هایی برای پیشرفت زنان را در اولویت‌های خود قرار دهند و هر یک برای تشویق و آموزش و ارتقای جایگاه زنان و دختران هیئت مخصوصی را تشکیل دهند.

بدین ترتیب بود که گروه‌هایی با هدف توان‌افزایی زنان با عنوان «لجنه‌های ترقی نسوان» ابتدا در سراسر کشور در سطح محلی و پس از چند سال در سطح ملی شروع به کار کردند. این گروه‌ها در ابتدا توسط خود زنان و پس از مدتی با رفع موانع حضور زنان و مردان در فضاهای مشترک (بعد از قانون کشف حجاب در

۹ - در ایران در سال ۱۳۴۱ ه. ش (۱۹۶۲ میلادی) لایحه‌ای به نام انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط دولت به تصویب رسید که به زنان اجازه‌ی شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات را می‌داد.



لجنه‌ی (کارگروه) ترقی نسوان، کرمان، حدود سال ۱۳۱۵-۱۳۲۰ ه.ش

ارائه‌ی کلاس‌های مخصوص زنان از سوادآموزی و تکمیل سواد گرفته تا کلاس‌های سطح متوسطه و عالی با موضوعاتی همچون تاریخ و آموزه‌های بهائی بود که در گوشه و کنار ایران برگزار می‌شد. از سال دوم این طرح، هر سال در اواخر فروردین، نمایندگان لجنه‌های ترقی نسوان از سراسر ایران برای شرکت در یک گردهمایی ملی با عنوان «انجمن شور روحانی اماءالرحمن» در تهران جمع می‌شدند و با یکدیگر در مورد یادگیری‌ها و پیشرفت‌هایشان مشورت می‌کردند. یکی از اقدامات این انجمن انتشار نشریه‌ای مخصوص زنان بود که نخستین شماره‌ی آن در سال ۱۳۲۷ ه.ش منتشر شد. شوراهای اداری بهائی همچنین برای

سال ۱۳۱۴ ه.ش) توسط زنان و مردان اداره می‌شد و مطابق نیازهای محلی، برنامه‌هایی را برای سوادآموزی یا ارتقای سواد و افزایش اطلاعات بانوان ارائه می‌دادند. زنان علاوه بر عضویت در «لجنه‌ی ترقی نسوان»، در سایر فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی از جمله در زمینه‌ی آموزش و پرورش، امور خیریه و ترویج دیانت بهائی نیز حضور فعال داشتند. در سال ۱۳۲۵ ه.ش (۱۹۴۶ میلادی) «لجنه‌ی ملی ترقی نسوان» طرحی چهارساله، برای رشد و ترقی زنان بهائی ایران تهیه کرد که از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ ه.ش در جریان بود. از جمله محتویات این طرح برگزاری جلسات و گردهمایی‌هایی با موضوعات مختلف برای زنان و دختران و

شوند. در همان سال اول، زنان در ۱۲۰ نقطه در سراسر ایران به عنوان اعضای شوراهای محلی انتخاب شدند و به انتخاب شورای ملی نیز در آمدند. حضرت شوقی افندی در نامه‌ای که در آن سال به بهائیان ایران نگاشتند زنان را تشویق کردند که تنها به این برابری اداری راضی نباشند و در خدمات اجتماعی، به اشتراک گذاشتن پیام حضرت بهاءالله با دیگران و مشارکت در ترویج فرهنگ جدیدی که هدف دیانت بهائی است، فعالانه کوشا باشند. یکی از حوزه‌های نقش‌آفرینی زنان بهائی در سال‌های میانی قرن بیستم (حدود دهه‌ی ۳۰ شمسی) سفرها و مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی آن‌ها بود برای آن که پیام

بهائیان این فرصت را فراهم کردند تا درک عمیق‌تری در مورد آموزه‌ها و احکام بهائی مربوط به برابری زنان و مردان، در بستر خانواده و ازدواج به دست بیاورند. برای مثال، در دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش (۱۹۵۰ میلادی) با پیاده شدن احکام ازدواج بهائی توسط این موسسات، زنان بهائی از نظر حقوقی در ازدواج و طلاق با مردان به برابری رسیدند. در نهایت در سال ۱۳۳۳ ه.ش (۱۹۵۴ میلادی) با رشد توانمندی‌های زنان در نتیجه‌ی سه دهه تلاش زنان و مردان بهائی، برنامه‌های موسسات بهائی و آماده شدن جامعه از نظر فرهنگی، زنان بهائی ایران توانستند به عنوان اعضای شوراهای اداری محلی و ملی انتخاب



نمابندگان اولین انجمن شور روحانی اماءالرحمن، تهران سال ۱۳۲۷ ه.ش



اعضای شورای اداری (محفل روحانی) محلی شهسوار (تنکابن)

بودند به تنهایی، راهی نقاط مختلفی شدند که اغلب از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار با آنچه می‌شناختند متفاوت بود. می‌توان تصور کرد چنین تصمیمی در زمانی که وسایل ارتباطی و حتی امکان سفرهای هوایی بسیار محدود و ناکافی بوده است تا چه اندازه به حس عاملیت و هدفمندی قوی از طرف این زنان نیاز داشته است. برخی از این زنان بین نقاط مختلف، حتی بین چند قاره جابه‌جا شدند و اکثراً تا پایان عمر از طریق اقدامات مختلف از جمله عضویت در شوراهای محلی و ملی بهائی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و راه‌اندازی یا مشارکت در پروژه‌های عام‌المنفعه به نیازهای مادی و اجتماعی جوامعی که به

حضرت بهاء‌الله را به مردمان سرزمین‌های دیگر برسانند و مردم جهان را با آموزه‌های بهائی آشنا کنند تا جوامعی مرفه و پویا ساخته شود. جامعه‌ی بهائی به دعوت حضرت شوقی افندی بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۲ ه.ش (۱۹۴۶ تا ۱۹۶۳) برنامه‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی برای رشد و گسترش آیین بهائی در دست داشت. برای دستیابی به اهداف این برنامه‌ها، نیاز بود تا اعضای جامعه‌ی بهائی به نقاط مختلف چه در داخل ایران و چه دیگر کشورها و سرزمین‌هایی که آیین بهائی تا آن زمان به آنها راه نیافته بود، مهاجرت کنند. در این راستا، بسیاری از زنان بهائی ایرانی چه همراه با خانواده و چه آن‌ها که مجرد



تشکیل شد. اهداف و فعالیت‌های این هیئت‌ها را به نوعی می‌توان در ادامه‌ی «لجنه‌های ترقی نسوان» که دهه‌های قبل، فعالیت می‌کردند دانست. از جمله اقدامات این مجموعه که از طریق هیئت‌های محلی در مناطق مختلف ایران صورت می‌پذیرفت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تلاش برای رفع بی‌سوادی، تعمیق دانش در مورد آیین بهائی، تشویق و ترویج تحصیلات دانشگاهی، آموزش حرفه‌های مختلف، تشویق زنان جهت قبول مسئولیت در فعالیت‌های داخل جامعه‌ی بهائی از جمله به عنوان سخنران و مربی و برگزاری دوره‌هایی برای آماده‌سازی آن‌ها در این راستا، تهیه‌ی نشریه‌ای

آن مهاجرت کرده بودند ادامه دادند. با تأسیس بیت العدل اعظم در سال ۱۳۴۲ ه.ش (۱۹۶۳ میلادی) روحیه‌ی تلاش و خدمت افراد و جوامع بهائی و قابلیت‌های زنان که با برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات سیستماتیک موسسات بهائی، باورمندی و تلاش خودشان و حمایت و تشویق جامعه در حال رشد و پرورش بود، زنان را بیش از پیش به حضور فعالانه، هم در فضاهای داخل جامعه‌ی بهائی و هم در عرصه‌های مختلف اجتماع ایران برانگیخت. برای مثال در این دوران «لجنه‌ی ملی اماء الرحمن» با هدف پیشرفت زنان بهائی در سرتاسر ایران در زمینه‌ی کسب دانش، انتشار آیین بهائی و فعالیت‌های اجتماعی



حالی بود که در همین تاریخ، تنها ۴۴ درصد زنان ایرانی زیر ۴۰ سال با سواد بودند.^{۱۰} پس از انقلاب سال ۱۳۵۷.ش در وضعیتی که دیگر هیچ تقسیم‌بندی جنسیتی در فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی وجود نداشت، موج جدید آزار و اذیت‌هایی که بر جامعه‌ی بهائی وارد شد، هم مردان و هم زنان را مورد هدف قرار داد. در جریان دستگیری‌ها و اعدام‌های گسترده‌ی بهائیان در ایران، بسیاری از دختران و زنان بهائی، از سالخورده و جوان، شهری و روستایی تنها به دلیل اعتقادات دینی و خدمات

مخصوص زنان، برگزاری یک گردهمایی ملی با حضور نمایندگان زنان بهائی از سراسر ایران و برگزاری نشست‌هایی مخصوص زنان با هدف آشنایی و ایجاد تفاهم و همکاری زنان بهائی با یکدیگر، درک بهتر اصول بهائی، تبادل افکار و بالا بردن سطح دانش و تجارب زنان هر شهر یا روستا. یکی از نتایج دهه‌ها تلاش جامعه‌ی بهائی که در این دوران به ثمر نشست از بین بردن کامل بی‌سوادی میان زنان بهائی زیر ۴۰ سال در سال ۱۳۵۲.ش بود. این در

۱۰ - بسیاری از زنان بهائی این دوره توانستند درجات عالی علمی و فرهنگی را طی کرده و قدم‌های بزرگی در مسیر پیشرفت ایران بردارند از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به خانم زینبوس محمودی (اولین زن هواشناس ایرانی، رئیس سازمان هواشناسی و مدرسه‌ی عالی هواشناسی)، لیلی آهی (بنیان‌گذار و دبیر هیئت مدیره‌ی شورای کتاب کودک و از پیشگامان تربیت مدرن کودک و نوجوان در ایران)، طلعت بصری (نخستین زن معاون دانشگاه در ایران) و... اشاره کرد.

اجتماعی‌شان، دستگیر و یا کشته شدند. تنها در یک مورد در شیراز در خرداد سال ۱۳۶۲ ه.ش، ده زن بهائی به صورت دسته - جمعی، اعدام شدند و جوان‌ترین آن‌ها «مونا محمودنژاد»، عضو کارگروهی مخصوص برنامه‌های جوانان بهائی و مربی کلاس‌های کودکان بود. او در زمان اعدام تنها ۱۷ سال سن داشت. بسیاری از زنان بهائی با دستگیری همسرانشان، وظایف سنگین مدیریت اقتصادی خانواده را بیش از پیش به عهده گرفتند. این تلاش‌ها در حالی صورت می‌گرفت که فشارهای اقتصادی، نظیر مصادره‌ی اموال، اخراج از شغل، لغو پروانه‌های کسب و کار و دیگر محدودیت‌ها، امرار معاش بهائیان را با مشکلات فراوانی رو به رو ساخته بود. بسیاری از زنان بهائی، علاوه بر آن که به رفع نیازهای مادی و تربیتی خانواده‌ی خود مبادرت می‌کردند، زمینه را برای فعالیت اقتصادی سایر زنانی که در موقعیت‌های مشابه بودند نیز فراهم می‌آوردند. با اخراج دانش‌آموزان و دانشجویان بهائی از مدارس و دانشگاه‌ها، زنان بهائی دوشادوش مردان به دنبال راه - های خلاقانه‌ای برآمدند تا دانشی را که در سال‌های گذشته آموخته بودند با نسل جدید در میان بگذارند و آموزش‌های علمی را به آن‌ها ارائه دهند. برای مثال، جامعه‌ی بهائی ایران، برای جوانانی که از ورود به دانشگاه محروم شدند، موسسه‌ی علمی

بهائیان، دانشگاهی غیر رسمی را تاسیس کردند که در آن زنان حضور پررنگی چه در مقام استاد و چه دانشجو داشتند. به دنبال تعطیلی کامل موسسات و ساختارهای اداری بهائی ایران در سال ۱۳۶۲ ه.ش، رسیدگی به امور روحانی و اجتماعی چند صد هزار بهائی به شکل غیررسمی از طریق گروه‌های کوچکی از بهائیان در سطح ملی و محلی انجام می‌شد و در این میان نیز زنان، بار دیگر پیش‌تاز اقداماتی در زمینه‌های مختلف، جهت پاسخگویی به نیازهای گوناگون جامعه از جمله آموزش اخلاقی کودکان و نوجوانان، توان‌افزایی جوانان، ترویج هنر و تهیه‌ی برنامه‌هایی جهت تقویت حیات خانواده بودند.

تلاش‌های زنان و مردان ایرانی بهائی برای دستیابی به درجات هر چه بالاتری از برابری چه در زندگی شخصی و خانوادگی و چه در اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی یا مشارکت در اجتماع پیرامون خود، هم‌راستی تلاش‌های میلیون‌ها بهائی در نقاط مختلف جهان بوده است که در بیش از صد هزار نقطه در تمامی کشورها و در سرتاسر جهان برای واقعیت بخشیدن به این اصل اساسی کوشش می‌کنند. یکی از نتایج این نمونه تلاش‌ها را در رشد پیوسته‌ی حضور زنان بهائی، از چند دهه پیش در ساختارهای داخل جامعه‌ی بهائی، که وظیفه‌ی اداره‌ی امور جامعه در



مهشید نیرومند



مونا محمودنژاد



جلالیه مشتعل اسکویی



طوبی زاتریپور



طاهره ارجمندی



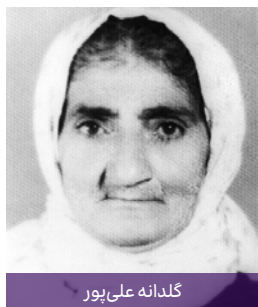
زینوس محمودی



رویا اشراقی



شیدرخ امیرکها



گلدانه علی‌پور



سیمین صابری



آزمایشگاه میکروبیولوژی، دانشگاه علمی بهائیان (BIHE)، بهار ۱۳۷۵

فعال و پویا تلاش کنند. بهائیان ایران نیز در این تلاش‌ها، همقدم سایر بهائیان در سراسر جهان، کوشا بوده‌اند و نیروی خود را صرف ساخت جوامع محلی‌ای نموده‌اند که در آن، مردان و زنان از هر پیشینه‌ی قومی، فرهنگی و طبقه‌ی اجتماعی، مسئولیت رشد عقلانی، اخلاقی و اجتماعی خود را عهده‌دار شده و تلاش می‌کنند از انفعال و بی‌تفاوتی‌ای که اجتماع بر آن‌ها تحمیل می‌کند، فاصله بگیرند. در این تلاش‌ها، زنان و مردان در جایگاهی برابر، برای ساخت جامعه‌ای ایده‌آل با هم گفتگو می‌کنند و درباره‌ی چگونگی کاربست اصولی همچون یگانگی، عدالت و برابری به مشورت می‌نشینند. در فرآیند ساخت

سطوح مختلف و سامان‌دهی فعالیت‌های متنوع آن را به عهده دارند، می‌توان دید. زنان بهائی در نقاط مختلف جهان در حال حاضر از طریق عضویت در شوراهای اداری (محل‌های) محلی و ملی، نقش مهمی در اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی ایفا می‌کنند. اعضای این موسسات به طور سالانه از طریق انتخابات و توسط رأی زنان و مردان بهائی تعیین می‌شوند.^{۱۱} در دهه‌های اخیر، در امتداد برنامه‌های جهانی که از زمان حضرت شوقی افندی برای رشد و تحکیم جامعه‌ی بهائی وجود داشته، بهائیان سرتاسر جهان توسط بیت العدل اعظم هدایت شده‌اند تا در سطح محلی برای ساخت جوامعی سالم،

۱۱ - در حال حاضر در ایران هیچ یک از موسسات اداری بهائی در سطوح محلی و ملی وجود ندارند. در سال ۱۳۶۲ ه. ش. دادستان کل کشور در یک اعلان رسمی خواستار تعطیلی تشکیلات اداری بهائی شد که در پی آن جامعه‌ی بهائی ایران جهت نشان دادن حسن نیت خود به دولت فعالیت کلیه‌ی موسسات اداری خود را تا به امروز متوقف کرده است.



اولین مراسم فارغ التحصیلی دانشگاه علمی بهائیان (BIHE)، آبان ۱۳۷۴

که در تضاد با اصل برابری زنان و مردان است فراهم می‌کند بلکه کودکان و نوجوانان را نیز با درکی صحیح از شرافت انسانی و برابری زنان و مردان بار می‌آورد. فعالیت‌های سازمان‌های الهام گرفته از آموزه‌های بهائی که در راستای توان‌افزایی زنان، اقدام می‌کنند نیز نمونه‌ای دیگر از تلاش‌های جامعه‌ی بهائی برای به عمل درآوردن اصل برابری زنان و مردان است. این سازمان‌ها در نقاط مختلف جهان، طیف وسیعی از فعالیت‌هایی را که به توان‌افزایی اجتماعی و اقتصادی زنان منجر می‌شود برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.^{۱۳} بهائیان متوجه هستند که در بسیاری از موارد، اصلاح قوانین، رویه‌ها و ساختارهای

جوامعی منسجم، ارزش‌ها و روال‌هایی که رابطه‌ی میان زنان و مردان را شکل می‌دهد بسیار اهمیت دارد و نقش زنان در پیشرفت اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد. از شیوه‌های سنتی تصمیم‌گیری که اغلب در آن‌ها گروه‌هایی همچون زنان و جوانان به حاشیه رانده می‌شدند فاصله گرفته و هر فردی اعم از زن یا مرد، دارای ظرفیت‌های درونی فراوانی در نظر گرفته می‌شود که توانمندی‌هایش از طریق تربیت و در مسیر خدمت به جامعه شکوفا می‌شود. در کانون چنین تلاشی، یک فرایند آموزشی قرار دارد که نه تنها برای بزرگسالان فرصت کاوش روزمره‌ی منش‌ها و عادت‌های متأثر از فرهنگ‌های قدیمی را

۱۳ - برای مثال «مرکز عدالت طاهره» در ایالت متحده آمریکا به زنان و دختران مهاجر که قربانی خشونت‌های جنسیتی هستند مشاوره‌ی حقوقی و خدمات اجتماعی رایگان ارائه می‌دهد یا «موسسه‌ی توسعه‌ی بارلی» در هند با برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان، زنان روستایی بی‌سواد یا کم‌سواد را توان‌افزایی می‌کند.



تبعیض‌آمیز علیه زنان، مستلزم تغییراتی وسیع‌تر در سطح قوانین ملی و گفتمان. های رایج در یک کشور یا در سطح بین. المللی است. در سطح ملی، جوامع و موسسات بهائی در کشور خود در حال یادگیری روش‌هایی برای مشارکت در گفتمان برابری زنان و مردان هستند تا از این طریق در افزایش آگاهی و بازتعریف مفاهیم در راستای ترویج برابری زنان و مردان، در نظام‌های آموزشی و ساختارهای حقوقی، موثر باشند. در سطح بین‌المللی نیز دفاتر جامعه‌ی جهانی بهائی که با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نظیر سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا، اتحادیه‌ی آفریقا و انجمن ملل آسیای شرقی از نزدیک همکاری دارند در پیشرفت گفتمان جهانی برابری زنان و مردان سهیمند.^{۱۳}

امروز بهائیان ایران همچون سایر هموطنانشان، همچنان برای غلبه یافتن بر سنن و فرهنگی که پیشرفت زنان را محدود می‌سازد تلاش می‌کنند.

بیت العدل اعظم در نامه‌ای خطاب به بهائیان ایران در خرداد سال ۱۳۸۷ که

منحصراً در مورد موضوع برابری زنان و مردان و اهمیت رفع موانع پیشرفت زنان در جامعه است از آن‌ها می‌خواهند که به دستاوردهای گذشته‌ی خود قانع نباشند و یادآوری می‌کنند که دستیابی کامل به برابری بین زنان و مردان، کار آسانی نیست و تقلیب و تحول همه‌جانبه هم برای زنان و هم برای مردان لازم دارد. بهائیان ایران همگام با دیگر بهائیان در هر کجای دنیا برای درک عمیق‌تر اصل برابری زن و مرد به کوشش‌های خود ادامه می‌دهند و سعی می‌کنند این اصل را در زندگی خانواده و در فعالیت‌های جامعه‌ی محلی خود بیش از پیش منعکس سازند. آن‌ها مشتاقند تا تجربیات دهه‌ها تلاش خود را در این زمینه با سایر هموطنان دغدغه‌مند در میان گذاشته، درباره‌ی چالش‌ها و راه‌حل‌های موثر برای حرکت به سوی درجات بالاتری از برابری، گفتگو کنند و در برنامه‌ها و پروژه‌هایی که چه از طرف دولت و چه از طرف سازمان‌های مدنی برای رسیدن به این هدف متعالی انجام می‌گیرد مشارکت داشته باشند.

۱۳ - جامعه‌ی جهانی بهائی (BIC) یک سازمان بین‌المللی غیردولتی و دارای مقام مشورتی از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اکوسوک) و صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) و نماینده‌ی تمامی شوراهای اداری ملی بهائی سراسر جهان است. این سازمان یکی از شرکت‌کنندگان فعال در بسیاری از کنفرانس‌ها و کمیسیون‌های اصلی سازمان ملل متحد است و به طور مرتب مقالات و بیانیه‌هایی در موضوعات مختلفی از جمله حقوق اقلیت‌ها، مقام زنان، پیشگیری از جرم و ترویج بهروزی کودکان و خانواده منتشر می‌کند. به عنوان مثال در زمینه‌ی برابری زن و مرد، تأکید بر آموزش و پرورش کودکان دختر، منجر به فهم حقیقت و اهمیت این اصل در سطح وسیعی شده است و از آن زمان نیز در سیاستگذاری‌های مربوط به توسعه در سراسر جهان مورد حمایت قرار گرفته است.

A large, textured, purple-toned photograph of a group of women and children. The women are wearing headscarves and traditional clothing, and the children are in the foreground. The image has a grainy, aged appearance.

تساویر و توضیحات





کارکنان و شاگردان مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی در محله‌ی سر قبر آقا، ۱۳۲۸ هـ ق/ ۱۹۱۰ م
نشسته در سمت چپ با لباس تیره منیره ایادی است. فردی که در طرف راست او ایستاده قدسیه اشرف است.



خانم‌های بهائی آمریکائی در تهران به همراه علی اکبر روحانی و مجول خانم (دختر طاهره شاعر بهائی) و فرزندان آنها، ۱۹۱۳ م.



خانم‌های بهائی آمریکائی در تهران
از راست به چپ: لیلیان کاپس، الیزابت استوارت، سارا کلاک، سوزان مودی



دانش آموزان دختر مدرسه ی توکل، قزوین، حدود سال ۱۳۰۸ ه.ش



دختران دانش آموز کلاس بهائی میرزا محمد لیبب در قزوین،
آن هایی که با علامت X مشخص شده اند دانش آموزان زبان اسپرانتو هستند.



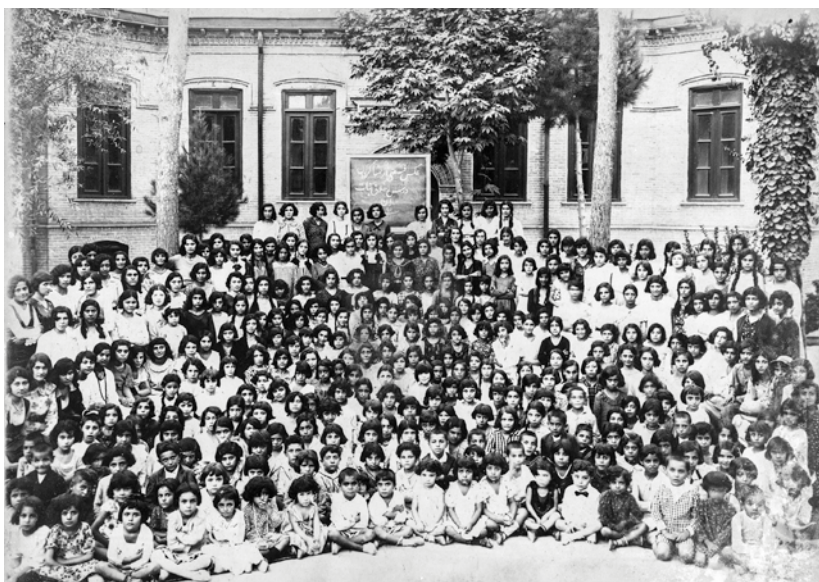
گروهی از بهائیان سیستان (آذربایجان شرقی) حدود سال‌های ۱۳۱۴ - ۱۳۱۸ ه. ش



کلاس دختران بهائی، قزوین



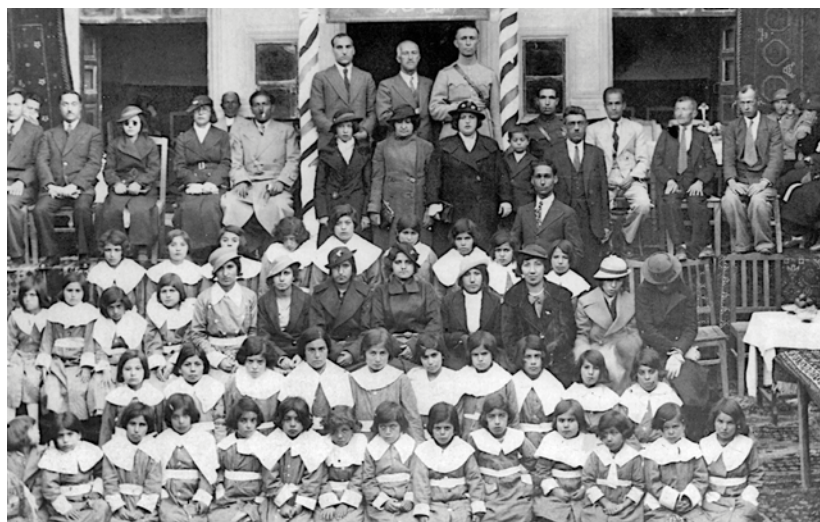
شرکت‌کنندگان در کلاس نطق و سخنوری، مدرسه‌ی تربیت، تهران، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲ ه. ش



تعدادی از دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های بهائی، تهران، ۲۲ مرداد ۱۳۱۲ ه. ش



شاگردان کلاس اول ابتدایی به همراه معلمشان (فائزه خانم)، تهران



شاگردان یک مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی به همراه مدیر مدرسه، ساوه، ۱۳۱۴ ه.ش



دانش‌آموزان بهائی



چند دختر دانش آموز مدرسه ی تربیت در تهران



دختران مدرسه ی تربیت، تهران

This is to request the honor of your company at the Fairbairn-St-Basile School festival to be held (corner) Chahard-Hasanabad & Ave. Tarmen Tarmen, on Saturday, September 20th at 9 A. M.
L. F. Tappes.

ΕΘΝΟΣ ΕΛΛΗΝΩΝ

1328

مدرسه تربیت بنات

در روز ... شهر ذی حجه برای توزیع تصدیقنامه
شاگردان کلاس ششم مدرسه تربیت بنات مجلس جشنی در مدرسه
بین واقع در سر چهار راه حسن آباد منعقد است
از حضور محترم *Mrs. Draeger*
منتنی است سه ساعت قبیل از ظهر روز مزبور قدم رتبه فرموده
اولیای مدرسه را بحضور خویش قرین امتنان فرماید
مرحمت فرموده کارت را همراه یادبود

کارت دعوت برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت در ۲۸ شهریور ۱۲۹۰ ه. ش ساعت ۹ صبح



گروهی از شاگردان تربیت بنات از کلاس تهپه تا کلاس ششم.
این عکس برای بهائیان آمریکایی که کمک هزینه‌ی تحصیلی برای این شاگردان فراهم کرده بودند گرفته شده است.



برخی از زنان آمریکایی بهائی که برای ترویج آموزش و توسعه‌ی اجتماعی به ایران نقل مکان کرده بودند: ۱. سوزان مودی، ۲. لیلیان کاپس، ۳. الیزابت استوارت، ۴ و ۵ ناشناخته



هیئت مدیره‌ی مدرسه‌ی تربیت، تهران، سال ۱۳۱۱ ه. ش



مربی‌ان زن لجنه‌ی (کارگروه) کودکان همراه با کیت رنسام کهلر، تهران، حدود سال ۱۳۱۲ ه. ش



یکی از گروه‌های ترقی نسوان، تهران حدود سال ۱۳۲۰ ه. ش



نمایندگان حاضر در اولین انجمن شور روحانی اماء الرحمن، تهران ۱۳۲۷ ه. ش



اعضای یک شورای محلی در کرمان



کادر تربیت بنات، رمضان ۱۳۳۸ / مه ۱۹۲۰ م.

نشسته از راست به چپ: روحانیه مدحت (معلم کلاس ششم)، شمس خانم (معلم کلاس اول)، اختر خانم (معلم کلاس ششم)، لیلیان کاپس، وفاثیه مدحت، بتول خانم (معلم کلاس تهیه) / ایستاده از راست به چپ: درخشنده خانم (معلم کلاس پنجم)، عشرت مدحت (معلم کلاس اول)، کمالیه خانم (معلم کلاس سوم)، بهجت مدحت (معلم کلاس دوم)، تاجما خانم (معلم کلاس چهارم)



کورین ترو، یک زن بهائی آمریکایی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۷ مسئولیت مدیریت ساخت معبد بهائی آمریکای شمالی در ویلمت، ایلنوی را به او سپردند.

منابع



- ارباب، فروغ (۱۹۹۵). اختران تابان جلد دوم. دهلی نو: موسسه چاپ و انتشارات مرآت.
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۲). به سوی ریشه‌کن کردن خشونت علیه دختران و زنان. بازیابی‌شده از سایت:
<https://www.datocms-assets.com/45616/1636567782-bic20121115towards-the-eradication-of-violence-against-women-and-girlsyp2-1-1-2.pdf>
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۵). به سوی گفتمانی جدید در زمینه دین و برابری جنسیتی. بازیابی‌شده از سایت:
<https://www.datocms-assets.com/45616/1622551954-.pdf>
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۲). به سوی رفاه: نقش زنان و مردان در ساخت یک تمدن جهانی شکوفا. بازیابی‌شده از سایت:
https://www.datocms-assets.com/45616/1655453428-bic_20170313_p_v_1.pdf
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۹). ساختن جهانی جدید بی‌آنکه کسی جا بماند. بازیابی‌شده از سایت:
<https://www.datocms-assets.com/45616/1636567667-bic20190308creatingtheworldanewpv1-0-0pdf-2.pdf>
- حسین‌خواه، مریم (۱۳۹۶). دستاوردهای جنبش زنان در دوره‌ی مشروطه. آسو، بازیابی‌شده از:
<https://rb.gy/mtaqx>
- دوستدار، فرح (۱۳۹۵). مراحل تحوّل نقش زنان در مسیر تاریخ دیانت بهائی از کشف حجاب تا برابری کامل حقوقی. نقطه‌نظر، بازیابی‌شده از:
<https://www.noghtenazar.org/node/1442>
- دوستدار، فرح (۱۳۹۶). درآمد قیام طاهره: تحوّل تدریجی نقش زن در جامعه‌ی بابی و بهائی و تأثیر آن بر جنبش آزادیخواهی زنان ایران. نقطه‌نظر، بازیابی‌شده از:
<https://www.noghtenazar.org/node/1701>
- ذبیحی‌مقدم، سیامک (۲۰۱۲). آموزش و پرورش دختران در ایران در اوایل قرن بیستم: پژوهشی درباره‌ی یک مدرسه‌ی بهائی. ترجمه‌ی عرفان ثابتی. آسو، بازیابی‌شده از:
<https://www.aasoo.org/fa/articles/87>
- راقتی، وحید (۲۰۱۲). فاران حب؛ امر بهائی در فاران. هوفهایم، آلمان: موسسه مطبوعات بهائی آلمان.
- رستم‌گلایی، یاسمن (۲۰۱۳). مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت تهران: مشارکت بهائیان ایرانی و آمریکایی در آموزش مدرن. ترجمه‌ی عرفان ثابتی. آسو، بازیابی‌شده از:
<https://www.aasoo.org/fa/articles/88>

- قابل آبادهای آقا میرزا (۲۰۰۷). وقایع امری آباده. هوفهایم، آلمان: موسسه مطبوعات بهائی آلمان.
- مالمیری، حاجی محمد طاهر (۱۳۰۳). تاریخ امری یزد. استرالیا: موسسه انتشاراتی سنجر پریس.
- معصومیان، بیژن (۱۳۹۶). بزرگی از تاریخ جنبش زنان ایران در عصر مشروطه: طایره، از تبار طاهره قُرّة العین. خبرنگامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <https://news.gooya.com/2017/07/post-5352.php>
- معصومیان، بیژن (۱۳۹۶). نقش بانوان بهائی آمریکائی در بهداشت زنان و تعلیم و تربیت دختران ایران از عصر مشروطه تا دوران رضاشاه. خبرنگامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <https://news.gooya.com/2017/07/post-5352.php>
- میلانی، فرزانه (۱۳۹۲). طاهره قُرّة العین: پیش‌کسوتی که سکوت و سکون را نپذیرفت. خبرنگامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <http://news.gooya.com/politics/archives/2014/02/175339.php>
- نیشابوری، هامون (۱۳۹۶). مدارس نوین بهائی. آسو. بازیابی‌شده از: <https://rb.gy/pa51a>
- یزدانی، مینا (۱۳۹۶). برابری در نظریه و عمل. آسو. بازیابی‌شده از: <https://rb.gy/y2on6>
- Brookshaw, P. D. (2010). Instructive Encouragement: The Tablets of Baha'ullah and 'Abdu'l-Baha to Baha'i Women in Iran and India. In D. P. Brookshaw & S. B. Fazel (Eds.). *The Baha'is of Iran Socio-Historical Studies*. (pp 94-49). Routledge.
- Khan, J.(2000). Promoting the Equality of Women and Men: The Role of the Covenant. *The Journal of Baha'i Studies*, 90-71 , (2-1) 10. <https://rb.gy/4ka0w>
- Momen, M (2004). The Role of Women in the Iranian Baha'i Community during the Qajar Period. In R. Gleave. (Ed.), *Religion and Society in Qajar Iran*. (pp 369-346). Routledge.
- Momen, M. (2012). Women iv. in the works of the Bab and in the Babi Movement. In Encyclopædia Iranica. *Online edition, available at: https://www.iranicaonline.org/articles/women-babi*
- Rouhani Ma'ani, B.(1991). The Interdependence of Bahá'í Communities Services of North American Bahá'í Women to Iran. *The Journal of Baha'i Studies* 46-19 , (1) 4. <https://rb.gy/ws593>
- Zabihi-Moghaddam, S. (2013). Promoting the Advancement of Women: Baha'i Schools for Girls in Iran, 35–1909. *Iranian studies*, 305-273 , (2) 46. <https://www.jstor.org/stable/24482836>
- Zabihi-Moghaddam, S. (2017). Spousal Equality in Baha'i Law: The Emergence of Provisions on the Dissolution of Marriage in Iran, 1954–1873. *Journal of Women's History*, 160-137 , (3) 29. <https://muse.jhu.edu/article/669048>



ISBN 978-2-9701760-0-8



9 782970 176008 >